

## بسمه تعالی

### بررسی و نقد یک دیدگاه عرفی درباره‌ی رابطه‌ی دولت و مسجد

نویسنده: محمدرضا زارع

#### چکیده

این پژوهش به دنبال یافتن دیدگاه اسلام درباره‌ی رابطه‌ی دولت اسلامی و مسجد است. آیا دیدگاه عرفی امروز درست است و مبانی دینی (مجموعه‌ی کتاب و سنت و عقل) دولت اسلامی را از مباشرت در بنای مساجد، حمایت از ساخت آن‌ها و صرف کردن بیت‌المال در این مسیر منع کرده است تا مسجدها دولتی نشوند؛ یا اینکه ساخت مسجد یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های دولت اسلامی است؟

واژگان کلیدی: مسجد، دولت، رابطه‌ی این دو، دیدگاه عرفی موجود.

#### ۱- نگرش عرفی موجود پیرامون رابطه‌ی دولت و مسجد

قرآن به صراحت می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، مؤمنان کسانی هستند که وقتی در زمین به آن‌ها توانایی می‌دهیم، نماز برپا می‌دارند. براساس نص این آیه‌ی شریفه، اولین وظیفه‌ی مؤمنان، بعد از تأسیس دولت دینی، برنامه‌ریزی و تلاش جدی برای اقامه‌ی نماز است. به‌طورطبیعی، اولین قدم عملی برای ادای فریضه‌ی مذکور، تهیه‌ی فضای فیزیکی برای آن و به‌عبارت‌دیگر ساخت مسجد است. از این رو، نخستین کار پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از ورود به مدینه، تأسیس مسجدالنبی بود؛ درحالی که پیش از آن هم، به‌هنگام توقف در روستای قبا، آنجا نیز مسجدی بنا نهاده بود.

بنابراین، وقتی شخص پیامبر مسجد می‌سازد و در همان صدر اسلام بخش مهمی از وقت، برنامه و هزینه‌ی دولت خود را به مسجد اختصاص می‌دهد، دیگر نه تنها شکی نیست که بنای مسجد یکی از وظایف دولت اسلامی است بلکه یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. اولویت زیادی دارد. به‌طورطبیعی، به‌دلیل اهمیت جایگاه مسجد در اسلام، انتظار می‌رفت که پس از انقلاب اسلامی، نه تنها مسجدها از غربت و فقر مادی بیرون بیایند بلکه حکومت اسلامی به‌صورتی فراگیر، علاوه بر تشویق مردم به ساخت مسجد، به ساخت آن پردازد. اگر چنین اقدامی صورت گیرد، خیلی زود در سراسر کشور شاهد ساخت مسجدهای زیبا و باشکوه می‌شویم که امکانات فروانی دارد.

برنامه‌ریزی شهری باید به‌گونه‌ای باشد که در ساخت هر شهر یا شهرکی نخست زمین مسجد مشخص شود و باید بر سر چهارراه‌ها و میدان‌های مهم مسجدهای باشکوهی ساخته شود تا به‌هنگام نماز مردم به‌راحتی بتوانند نمازشان را اقامه کنند. این‌ها چیزهایی بود که مردم از نظام اسلامی انتظار داشتند؛ ولی

باکمال تعجب و تأسف، در بیش از ربع قرن که از تأسیس نظام اسلامی ایران می‌گذرد، نه تنها انتظارهای مردم برآورده نشد که در برخی از موارد بر ضد مسجد نیز تبلیغ شد. برای مثال، هیچ وزارتخانه مستقلاً برای حمایت و اداره‌ی مسجدها وجود ندارد؛ در بودجه‌ی جاری و عمرانی کشور سهم مسجدها بسیار کم است؛ در تأسیس شهرها و شهرک‌های جدید، هیچ ارگانی مسئول ساخت مسجد نیست؛ در میدان‌ها و خیابان‌های جدید، شهرداری زمینی خاص برای مسجدها در نظر نمی‌گیرد؛ به‌طور عملی مسجد خارج از محدوده‌ی حمایتی دولت است

نکته‌ی تأسف‌بارتر آنکه در برخی از بلوارها و میدان‌های مهم، زمین‌هایی وجود داشت مردم وقف مسجد کرده بودند اما به‌دلیل کمبود بودجه مسجدها ساخته نشده بود؛ لذا شهرداری آن زمین را به پارکینگ یا چیزی شبیه آن تبدیل کرده است. واقعیت آزاردهنده‌ی دیگر اینکه پیش از انقلاب مردمان خیری وجود داشتند که به ساخت مسجد گرایش داشتند اما پس از انقلاب به‌دلیل برخی سازوکارهای تبلیغی، این دسته به‌جای ساخت مسجد به ساخت مدرسه، دانشگاه آزاد، خوابگاه و امثال آن تشویق شدند. به‌رغم کمبود فضای مسجدها، صداوسیما و دیگر رسانه‌های بزرگ و کوچک نه‌تنها مردم را برای ساختن مسجد تشویق نمی‌کنند که در ضد تبلیغی آشکار می‌گویند: «خیران محترم! به‌اندازه‌ی کافی مسجد وجود دارد پس برای ساختن مدرسه اقدام کنید!!!»؛ درحالی‌که همه‌ی نهادهای عمومی‌ای مثل مدرسه و دانشگاه افزون‌بر آنکه ردیف بودجه‌ی دولتی دارند، مخارج عمومی آن‌ها، نظیر آب، برق، گاز و تلفن، نیز توسط دولت پرداخت می‌شود.

در دهه‌ی دوم انقلاب و با شروع برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اول و دوم انتظار این بود که بخش مهمی از بودجه‌ی فرهنگی به مساجد اختصاص یابد ولی با کمال تعجب و درحالی‌که امور شبه‌ناکی مثل موسیقی، شطرنج، مجسمه‌سازی و... مورد حمایت مالی دولت قرار گرفت، مسجدها دارای ردیف بودجه‌ی ثابت و کافی نشدند؛ به‌عبارت‌دیگر مجلس شورای اسلامی و یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای فدراسیون شطرنج، آموزشکده‌ی موسیقی و امثال آن بودجه می‌دهد ولی به‌بهانه‌ی پرهیز از دولتی‌شدن مسجدها بدان‌ها بودجه نمی‌دهد.

۲-۱- تبعات نگرش عرفی موجود بر عملکرد نهادهای دولتی

۱-۲-۱- شهرداری

نهادهای دولتی نیز به ساخت مسجد توجهی نمی‌کنند. برای مثال، شهرداری‌ها به تقلید از شهرداری تهران بودجه‌ی هنگفتی را به ساخت «فرهنگ‌سرا» اختصاص می‌دهند؛ به‌جای اینکه بودجه‌ی فرهنگی خود را برای ارتقاء فرهنگ معنوی شهر و ساخت مسجدهای زیبا خرج کنند. به‌طورطبیعی فرهنگ سراها به‌دلیل

عدم سابقه و ریشه در فضای فرهنگی کشور کارآیی متزلزل و بی‌برنامه‌ای داشتند و هیچگاه عمومیت مخاطبان مسجد را پیدا نکردند و البته به تدریج زمینه‌های انحراف آن‌ها نیز دیده می‌شود.

## ۲-۲-۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

باکمال تأسف، متصدی فرهنگ کشور، یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در تبیین وظایف سازمانی‌اش به ساخت، توسعه و نوسازی مسجد اهمیتی نمی‌دهد و فقط به تنظیم امور سینما و کتاب‌خانه می‌پردازد. یعنی، مطابق شرح وظیفه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عملاً به‌سوی حوزه‌های دیگر سوق داده شده است. بنابراین، تعجبی ندارد که وزیر ارشاد فقط از مظلومیت موسیقی و کمبود سالن سینما نگران است.

## ۳-۲-۱- سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف

پس از انقلاب، نهادی فرهنگی برای اداره‌ی امور فرهنگی جامعه تأسیس شد به نام سازمان تبلیغات اسلامی. مشکل اینجاست که سازمان تبلیغات بیشتر به موارد روبنایی مسجد، مثل برگزاری مراسم فرهنگی و مسابقه‌های دینی، می‌پردازد. متأسفانه حتی در همین امور هم به دلیل کمبود بودجه توانایی فعالیت فراوان ندارد؛ زیرا بودجه اصلی کشور به وزارتخانه‌ها می‌رسد و بودجه‌ی نهادی مثل سازمان تبلیغات گاه فقط مخارج جاری‌اش را پوشش می‌دهد. سازمان اوقاف و امور خیریه هم وظیفه‌ی اصلی خود را اداره‌ی ساختمان‌های وقفی موجود تعریف کرده است و بنابراین کمتر به ساخت مسجد می‌پردازد.

## ۳-۱- نتیجه‌ی عملکرد عرفی موجود در سطح خرد

نتیجه آنکه اگر نسل جدید به اقامه‌ی نماز جماعت علاقه‌ای داشته باشد، دولت اسلامی کار خاصی برای برآورده کردن نیاز او نکرده است. برای مثال در هر شهرک پنج‌هزار نفری، به‌طورمتوسط، برای هر هزار نفر یک مسجد با گنجایش ۳۰٪ از جمعیت، یعنی سیصد نفر نیاز، است؛ مسجدی که امام جماعت، خادم و امکانات جنبی نظیر خانه‌ی عالم، خانه‌ی خادم، پارکینگ و سرویس بهداشتی داشته باشند؛ اما با کمال تأسف در شهرها و شهرک‌های جدید که گاه پنجاه تا صد هزار نفر را هم در خود جای می‌دهد، به‌ندرت مسجدی بزرگ و مجهز دیده می‌شود. شگفت اینجاست که اگر احیاناً تعدادی از مومنان هم به تأسیس مسجدی اقدام کنند، به دلیل مشکلات عمده‌ی اداری و کمبود بودجه کار ساخت آن‌ها نیمه‌تمام مانده است؛ به‌طوری‌که بناهای نیمه تمام مسجدها به شاخصی آشکار در کشور ایران بدل شده است. درحالی‌که در بیشتر کشورهای جهان، زیباترین بناهای حال حاضر نیز (همانند گذشته) معبد‌های دینی، کلیساها و مسجدها هستند. روزگاری، چنین چیزی در کشور ما نیز وجود داشته است؛ اما اکنون بانک‌ها و مراکز دولتی زیباترین ساختمان‌ها را دارند.

#### ۴-۱- تبعات نگرش عرفی بر سطح کلان

##### ۴-۱-۱- رواج بدگمانی و شایعه علیه تشیع

سالانه بیش از دو میلیون ایرانی به خارج از کشور سفر می‌کنند و بسیاری از آنان پس از مشاهده‌ی مسجدهای زیبا و باشکوه دیگر کشورها، مثل ترکیه و عربستان، می‌پرسند: چرا ایران در این باره کاری نمی‌کند؟ علاوه بر آنکه، عدم توجه کافی جمهوری اسلامی به ساخت، تجهیز و نوسازی مسجدها باعث رواج شایعه و تهمت علیه شیعه شده است؛ به طوری که در میان عربستانی‌ها چنین شایع کرده‌اند که در تهران، حتی یک مسجد هم وجود ندارد و شیعیان فقط حسینیه می‌سازند. در نگاه آن‌ها، در پایتخت کشورهای نامسلمانی نظیر آمریکا مسجد وجود دارد ولی در پایتخت ایران وجود ندارد.

##### ۴-۲- ۱ سوءاستفاده‌ی برخی عنصرها در اقلیت سنی کشور

به دلیل، عدم توجه کافی به ساخت مسجد، برخی افراد از این نقص سوءاستفاده می‌کنند و با کمک کلان رژیم‌هایی مرتجع، نظیر عربستان و کویت، و با مساعدت سنی‌ها و وهابی‌های ثروتمند حاشیه‌ی خلیج فارس، در مناطق سنی‌نشین و حتی شیعه‌نشین، مسجدهایی باشکوه می‌سازند.

##### ۲- علت نگرش عرفی فعلی

چه علت یا علت‌هایی موجب شده است دولت مردان نظام اسلامی این چنین باسواس فراوان از قرارداد رذیف بودجه آبرومندانه برای مسجد خودداری کنند؟ همان‌گونه که گفتیم، قرآن و سنت چنین منعی ندارند و سیره‌ی پیامبر به گونه‌ای دیگر بوده است. واقعیت این است که در روند تصمیم‌گیری نظام اسلامی، با استناد به قاعده‌ای عرفی و جدید، دولت از ساخت و کمک به مسجد منع می‌گردد. حال، آن قاعده‌ی عرفی چیست که از اصول مسلم قرآن و سیره پیشی گرفته است؟

##### ۱- ۲- قاعده‌ی عرفی موجود

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد و بناهای دینی با کمک مردم ساخته می‌شدند و لذا مستقل از دولت بودند؛ به همین دلیل در مقابله با ظلم دولتی کارا تر بودند. در این دیدگاه، استقلال مسجد باید ادامه یابد و خود مردم باید هزینه‌ی آن را بدهند تا دولت بر آن مسلط نباشد و دین دولتی نشود. این قاعده‌ی عرفی به اندازه‌ای مقبولیت یافته است که بسیاری از مسئولان نظام بدان استناد می‌کنند؛ درحالی که به دلیل‌های زیر مردود است.

##### ۲- ۲- دلیل‌های مردود بودن قاعده‌ی عرفی موجود

الف) قاعده‌های عرفی بدون استناد به قرآن و روایات هیچ حجیتی ندارند و به هیچ‌روی نمی‌توانند با صریح آیات قرآن و سیره‌ی نبوی معارضه کنند. آیا می‌توانیم به عمل پیامبر ایراد بگیریم که چرا فرصت، هزینه و امکانات دولت اسلامی تازه‌تأسیس خود را برای ساختن مسجد به کار برده است؟!

همان‌گونه که گفتیم، قرآن کریم اولین نشانه‌ی مؤمنان را بعد از تمکن در زمین، اقامه‌ی نماز می‌داند و در این باره در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی حج می‌خوانیم: «الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحْمَقُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَقِبَهُ الْأُمُورَ». آیه در مدینه و پس از تشکیل دولت اسلامی نازل شده است. آیه‌های قبل به این مهم اشاره می‌کند که اگر جهاد نباشد، معبدها، دیرها، صومعه‌ها و مسجدها نابود خواهد شد. منظور از اقامه نماز در این آیه، فقط خواندن نماز نیست؛ زیرا مسلمانان در مکه نیز نماز می‌خواندند. اقامه در اینجا به معنای برپاداشتن است. تمکن از ماده‌ی تمکین و به معنای فراهم‌ساختن وسایل و امکانات است؛ اعم از امکانات و نیروی جسمی و فکری.<sup>(۱)</sup> یعنی، مؤمنان کسانی هستند که در صورت مناسب‌بودن وضعیت (مثل آنچه با تشکیل دولت اسلامی در مدینه ایجاد شد) در اولین گام به اقامه‌ی نماز می‌پردازند. به‌طورطبیعی، اولین گام در اقامه‌ی نماز کاری است که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کردند؛ یعنی ساختن فضایی برای آن. «احداث مسجد» که اولین کار دولت اسلامی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود.

همچنین، آیه‌ی شریفه‌ی ۱۸ از سوره‌ی مبارکه‌ی توبه می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْزَّمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ». در آیه‌ی شریفه شرط‌های مهمی برای آبادکنندگان مسجد بیان می‌شود که بخشی از آن‌ها جنبه‌ی اعتقادی دارد ولی با توجه به آیه‌ی قبل همین آیه درمی‌یابیم که عمران مسجد وظیفه دولت اسلامی است. دولت اسلامی باید با برنامه‌ریزی دقیق مؤمنان را به مسجدها سوق دهد و از ورود مشرکان جلوگیری کند. حال که دولت اسلامی وظیفه دارد از حضور مشرکان جلوگیری کند، باید عمران مسجد را بر عهده‌ی کسانی بگذارد که صلاحیت دارند و شرط‌های پنج‌گانه‌ی را دارند؛ یعنی ایمان به خدا و روز جزا، اقامه‌ی نماز و ایتاء زکات و خدا ترسی. بی‌تردید مراد از عمران مساجد اعم از ساختن و تشویق مؤمنان به حضور در آن است.<sup>(۲)</sup>

ب) علمایی بزرگ همچون علامه‌ی مجلسی و شیخ بهایی به چنین چیزی باور نداشتند و از کمک دولت صفوی برای ساخت مسجد استقبال می‌کردند. شیخ بهایی طراح‌ی برخی از مسجدهای زیبای اصفهان را به‌عهده گرفت که صفویان و علامه مجلسی برای افتتاح مسجد حاضر شدند، با عبارت‌هایی زیبا از این

۱- آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۱۴، صفحه ۱۱۸.

۲- آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۷، صفحه ۳۱۴.

کار تقدیر کردند و شخصاً برای دعوت از مرجع بزرگ دینی جناب مقدس اردبیلی، برای اقامه نماز جماعت در آنجا، به نجف اشرف سفر کردند.

ج) با نگاهی به سابقه‌ی قاعده‌ی عرفی درمی‌یابیم که این پیشینه‌ای طولانی ندارد و تقریباً از اواخر قاجاریه به تدریج مرسوم گردید. در زمان پهلوی‌ها، به دلیل سیاست‌های دین‌ستیزانه‌ی آن‌ها، این قاعده عمومیت و مقبولیت یافت و چون عصر جمهوری اسلامی بعد از دوران آن‌ها بود، به‌طور طبیعی، در این زمان نیز نزد برخی عمومیت یافت.

#### • نتیجه

نکته‌ی مهم اینجاست که برخی لزوم حمایت دولت از مسجد و نهادهای دینی را با دخالت دولت در دین اشتباه می‌گیرند و با حساسیتی خاصی، حتی حمایت مالی دولت از مساجد را به معنای پایان استقلال مسجد و حتی پایان استقلال روحانیت شیعه قلمداد می‌کنند. چنین دیدگاهی نادرست است؛ زیرا نظام اسلامی اداره‌ی برخی دیگر از واجبات دینی را بر عهده گرفته است اما کسی نمی‌گوید آن‌ها دینی شده‌اند. برای مثال، حج یکی از این واجبات است که دولت برای اداره‌ی آن دستگاه عریض و طویلی، به نام «سازمان حج و زیارت» دارد. همه‌ی کارهای زائران زیر نظر مسئولان دولتی انجام می‌شود ولی حج حاجی غیرمستقل نمی‌شود.

کارکرد دولت اسلامی برای جلوگیری از جرم‌های اجتماعی دقیقاً با تلاش او برای ایجاد فضای معنوی ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر، ساختن مسجد و تشویق و سوق دادن اقشار متعدد جامعه به سوی معنویت باعث کاهش جرم می‌شود. بررسی حکومت‌های دیگر نشان می‌دهد که امروزه تقریباً در اکثر کشورهای جهان، دولت‌ها خود را موظف به حمایت از نهادهای دینی می‌دانند و کارکرد مثبت اجتماعی آن را پذیرفته‌اند؛ از این رو در بسیاری از کشورها بودجه‌ی معبد‌ها، کلیساها و مسجدها رشد زیادی داشته است. در بیشتر شهرها، زیباترین ساختمان‌ها به معبد، کلیسا و مسجد تعلق دارد؛ برای مثال دولت ترکیه هر سال بودجه‌ی کلانی را به این مسئله اختصاص می‌دهد؛ به طوری که بعد از وزارت دفاع ملی و وزارت آموزش ملی بیشترین بودجه به وزارت دیانت تعلق می‌گیرد. به دلیل همین حمایت بی‌دریغ دولت و همیاری مردم، در همه جای ترکیه مسجدهای باشکوهی وجود دارد. در حالی که دولت ترکیه بر اساس اندیشه‌ی لائیسزم بنیان شده است و هیچ ادعای دین‌داری ندارد و حتی با مظاهر اجتماعی دین، نظیر حجاب بانوان، مخالفت می‌کند. ترکیه با دارا بودن بیش از نود هزار مسجد (با امکانات کامل، مثل امام جماعت و مؤذن و ...) یکی از بالاترین رکوردهای جهان اسلام را به خود اختصاص داده است. در عربستان نیز وزارت ارشاد و افتاء چنین مسئولیتی دارد و به دلیل حمایت دولت از مسجد در همه جای عربستان مسجدهای باشکوهی دیده می‌شود. به عبارت دیگر برخلاف وزارت ارشاد کشور ما که خود را

موظف به حمایت از مسجدها نمی‌داند و هیچ نهاد دولتی دیگری نیز به صورت فراگیر این نیاز را پوشش نداده است، در کشورهای اسلامی دیگر وزارتخانه‌های ارشاد دقیقاً به این مهم پرداخته‌اند.

اکنون که دولت اسلامی، با بهانه‌ی دولتی‌شدن مسجد، کمکی نمی‌کند و کمک‌های مردمی پاسخ‌گوی نیاز نسل جدید نیست، چه باید کرد؟ سیره‌ی اسلامی به ما نشان می‌دهد که باید برنامه‌ای جامع برای چنین کاری طرح‌ریزی کنیم و بودجه‌ی کافی و ثابتی به آن اختصاص دهیم. با وضع کنونی نمی‌توان به بهبود مسجد امیدی داشت و باید این باور غلط عرفی کنار زده شود.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد